



شهرشکوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
کتابخانه مجلس
رتال جامع علوم انسانی

■ «جبل المتین» و «مفتاح الظفر»؛

از کلکته تا تهران



مروری بر مطبوعه‌های تاریخی ایران در کتابخانه مجلس (۳)

■ «جبل المتین» و «مفتاح الظفر»؛ از کلکته تا تهران

کار: گروه تحقیق

مسئول گروه: علیرضا حسینی پاکدهی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اشاره

در شماره‌ی گذشته دومین بخش از مقالات «مروری بر مطبوعه‌های تاریخی ایران در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی» از نظر گرامیتان گذشت. در آنجا به تعداد دیگری از مطبوعات تاریخی ایران اشاره شد و بررسی گردید که از آغاز صنعت نشر در ایران تا صدر مشروطیت، چه مطبوعاتی و با چه ویژگی‌هایی در داخل کشور و یا به زبان فارسی در خارج از کشور، منتشر شده و کدام یک و چه شماره‌هایی از آنها در کتابخانه‌ی مجلس وجود دارد.

● حبل‌المتین

روزنامه‌ی «حبل‌المتین» یکی از روزنامه‌های مهم فارسی زبان بوده است که درخارج ازکشور یعنی در کلکته‌ی هندوستان منتشر می‌شد و سهم بزرگی در بیداری مردم ایران در دوران استبداد قاجاریه داشت. متأسفانه از سال اول و دوم این روزنامه در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، هیچ نسخه‌ای وجود ندارد، لیکن از شماره‌ی اول از سال سوم به بعد، به جز شماره‌های معدودی در برخی از سالها، تا سال سی و هشتم انتشارش (۱۳۴۹ هجری قمری) در کتابخانه‌ی مجلس موجود است که آنها هم جزو اسناد با ارزش کتابخانه به شمار می‌روند.

شماره‌ی اول از سال سوم آن در تاریخ ۲۱ رجب ۱۳۱۳ هجری قمری، مطابق با ۱۸۹۶ میلادی منتشر شده است. این روزنامه در ۱۶ صفحه و به طور هفتگی و گاهی نیز نامرتب منتشر می‌شد و اسم مدیر آن «جلال‌الدین‌الحسینی‌طهرانی، مؤیدالاسلام» متخلص به «ادیب» ذکر شده است.

در ذیل عنوان «حبل‌المتین» در شماره‌ی مذکور چنین آمده است: «در این جریده از هرگونه علوم و وقایع و اخبار پولتیک و سیاست و منافع دولتی و اصلاح قومی و ترقی نوعی بحث کرده می‌شود.»

دراکثریت قریب به اتفاق شماره‌های این روزنامه، معمولاً در صفحه‌ی اول آن، عنوانهایی چون متذکرات و اعلانات و قیمت می‌آمده و مطالب اصلی و مقالات آن

از صفحه دوم شروع می‌شده است. در صفحه اول آمده که این روزنامه هر چهارشنبه چاپ و توزیع می‌شود و «مراسلات عام‌المنفعه مقبول و درانتشارش اداره آزاد و صاحبش حق استرداد ندارد.»

در صفحه دوم از شماره اول سال سوم، در ابتدای صفحه، فهرست مطالب آن چنین آمده است: «سال جدید - اشتهار اخبار عام - سیاسی - تلگرافات خارجه - تلگرافات داخله - متفرقات خارجه - متفرقات داخله - ارم‌نستان - حبش و ایتالیا - روس - کلکته - تجارت چای چین - افغانستان - مدرسه الیت هستل فندط - خطاب جدید - ونزوله - مراسله سبزوار - ژاپون» این فهرست طولانی و مرتبط به گوشه و کنار دنیا می‌تواند خود نشانگر برجستگی، ارزش و اهمیت این روزنامه باشد.

روزنامه‌ی [یا هفته نامه] حبل‌المتین به طوری که از مطالب آن برمی‌آید نشریه‌ای است آزادیخواه لیکن، در شماره‌های قبل از مشروطیت، اعتراض و انتقاد شدید و مستقیم نسبت به سلطنت و حکومت ناصرالدین شاه در آن دیده نمی‌شود و در مجموع نسبت به اخبار داخلی ایران از برجستگی ویژه‌ای برخوردار نیست و این می‌تواند به علت دوری مسافت دفتر مجله - کلکته - تا تهران بوده باشد.

حبل‌المتین جریان قتل ناصرالدین شاه را به دست «میرزا رضای کرمانی»، در شماره‌ی ۱۵ به طور مشروح چاپ کرده ولی نشان می‌دهد اطلاعات و اخباری که در اختیار داشته به اندازه‌ی کافی صحت نداشته

درجه رفیعه شهادت فائض گردید آن هم در وقت و روز و مقام متبرک که کمتر کسی را نصیب می‌شود...»

اما این روزنامه، در شماره‌ی بعدی خود، یعنی شماره ۱۶ از سال سوم به تاریخ دوشنبه ۲۷ ذی‌قعدة ۱۳۱۳ هجری قمری برابر با ۱۱ می ۱۸۹۶ میلادی ضمن اختصاص سه صفحه به مسائل مربوط به قتل ناصرالدین شاه، همان طور که پیشتر اشاره کردیم به تصحیح خبر شماره پیش خود می‌پردازد. در بخشی از آن که با عنوان «سبب قتل شاه شهید» درج شده است چنین می‌خوانیم: «تلگرافات مختلف قسم درباره قاتل شاه شهید آمده است می‌گفتند که از فرقه‌ی بابیه است بعدها تلگرافات آمد که قاتل از پیروان سید جمال‌الدین است مختلف افواها درین باب اشاعت شده چنانچه از تلگرافات معلوم می‌شود نام قاتل میرزا محمد رضا و با هشت نفر دیگر هشت ماه است از اسلامبول به مشورت سید جمال‌الدین به طهران آمده در کمین‌گاه بودند تا در حضرت عبدالعظیم فرصت به دست آورده کار خود را نمودند ولی آنچه ما را به نظر می‌رسد خیالات ملک و سید جمال و بابیه همه یک امر است که آزادی باشد هیچ‌یک از این مردم را درد دین نیست که گمان کنیم در پیرایه مذهب این عمل واقع شد اینها تماماً آزادی طلب‌اند مثل طایفه نهلیز در روس و انارکیست در ممالک اروپا میرزا علی محمد باب به پیرایه مذهب

است، به ویژه درباره‌ی «میرزا رضای کرمانی» که این روزنامه در شماره‌ی بعدی خود یعنی شماره ۱۶ از سال سوم، تلاش کرده است تا به تصحیح آن بپردازد. مطلب مربوط به قتل ناصرالدین شاه که در شماره ۱۵ و در صفحه سوم آمده است بدین گونه شروع می‌شود:

«سیه بختی ایران و ایرانیان

... نه قلم را یارای تحریر و نه زبان را قدرت تقریر است ای کاش قلم خشک و زبان لال شدی وقت زوال روز جمعه هفدهم ذی‌قعدة الحرام سنه ۱۳۱۳ هجری قمری مطابق اول ماه می میلادی بندگان اقدس همایونی اعلی‌حضرت ناصرالدین شاه شاهنشاه کل ممالک ایران البسه الله من خلل الجنان به قصد زیارت حضرت شاهزاده عبدالعظیم زادالله شرفه که تخمیناً یک فرسنگ ونیم از طهران مسافت دارد از دارالخلافة باهره حرکت فرموده به صحن مبارک شاهزاده عبدالعظیم متصل رواق می‌رسند زندیق محمدی از طائفه ضالّه بابیه که خداوند نامشان را از جهان براندازد با تپانچه خود را به شاهنشاه اسلامیان پناه رسانیده پاس حقوق و نمک آن ولی نعمت حقیقی ایرانیان را نگاه نداشته آن سنگ دل کافر صورت و سیرت تپانچه را بر گردن مبارک آن شاه شهید خالی کرده ایرانیان را بی پدر نمود پس از شصت و هشت مرحله که از عمر مقدس و چهل و نه سال کامل از حکمرانی و سلطنتش گذشت به

هیچ قومی نمی‌باشد و تمام این امر از جهالت محض است که در این ملت سرایت کرده مقصود بر این نیست که مردم ایران از دین اسلام شوند یعنی شعبات مختلف در خود پیدا خواهند کرد چنانچه نموده‌اند و مشاهده می‌کنیم...

به جهت اهمیت روزنامه‌ی «حبل‌المتین» به مطلبی دیگر از آن که درباره‌ی مسائل سیاسی جهان است، اشاره می‌کنیم که از شماره ۱۲ از سال سوم آن به تاریخ ۲۸ شوال ۱۳۱۳ هجری قمری برابر با ۱۳ آوریل ۱۸۹۶ میلادی از صفحه‌های ۷ تا ۹ انتخاب شد. عنوان مطلب «پولتیک معاملات» است و اصل مطلب، با حفظ شیوه نگارش، چنین شروع می‌شود: «پیشقدمی سلاطین اروپا در افریقه و بی‌رحمی آنان با باشندگان آن وسیع مملکت و تکبر و تنمر اروپایان آخر اهالی افریقه را به ستوه آورده سیلی مذلت از خوابشان بیدار نمود اینک می‌روند معنی نوعیت و حب وطن را بفهمند وقتی که ملاحظه‌ای بر اعظم افریقه را نمائیم چون سابق نمی‌توان حکمرانی وی را منحصر در حبش دانیم و صرف مرکز برده‌فروشان تصور کنیم و سواى مصر تمام بر اعظم افریقه را بی‌صاحب دانسته از چارسو بدو حمله نمائیم - سیاسیون اروپا وقتیکه قدم در افریقه نهادند اهالی آن مملکت را چون وحوش تصور کرده مواسات را از میان برداشتند اینک افریقه در عوالم سیاسی و پولیتیکل اهمیت پیدا کرده است ... رفته‌رفته در افریقه نبوغ استقلال ایالت‌های بی‌شماری

خواهان آزادی بود سید جمال و ملکم به لباس سیاست دراصل منشأ که آزادی است متفق‌اند. ملکم و سید جمال دیدند که بایه به واسطه بسدنامی در مذهب و اظهار دشمنی‌شان به دولت نمی‌توانند آفتابی شده اعلان آزادی دهند هیئتی را به اسم آدمیت بنا نهاده بذریعۀ اخبار قانون و ذرایع دیگر اعلان کلمۀ آزادی نمودند اسم باب را برداشت آدم نهادند ما را از این مقاله خیال بر آن نیست که سید جمال و ملکم و امثال مقصود بر آن است که تمام دینها آزادی طلب‌اند که هر زمان در یک لباس جلوه می‌کنند بلی مصدر آزادی طلبی در ایران میرزا علی محمد باب شد مگر چون در پیرایه مذهب بود نگذارند که نبوغ کامل اعلان کلمۀ مؤذک را نماید بلی سید جمال و ملکم در لباس دیگر در ایران اعلان آزادی را نمودند چون مردمان ایران غالب به واسطه عدم علم و تجربه نسبت به ملل متحد نه پرده جهالت به روی عقولشان کشیده شده به اندک حرافى یکی از طراران به دام فریب می‌افتند و سبب آزادی طلبی جمال ایران که نبوغ قطع ثمن اهل ایران هستند جهالت است علمای ملت را لازم است که به واسطه جلای عقول جهول در مواعظ و نصایح اندک مسائل فلسفیانۀ و حکیمانۀ را نیز گوش زد عوام نمایند به واسطه این جهالت است که فرق مختلفه در ایران پیدا شد و می‌شوند و به چند مسأله که عقل عوام را فریب دهد مغرور شده عوام را از راه بی‌راه می‌کنند علمای ایران باید خبردار باشند که اهل ایران مستعد تبدیل مذهب و مشرب

که به تاریخ ۳ جمادی الثانی ۱۳۱۴ هجری قمری برابر با ۹ نوامبر ۱۸۹۶ میلادی منتشر شده است در صفحه ۷ آن، مطلبی با عنوان «حبل المتین» آورده که در همین ارتباط است و بدین گونه شروع می‌شود: «مقصود ما از نگارش این عنوان همانا آگاهی ملت است از اصول ترقیات ملل متمدنه چه هنوز بعض از کوته نظران ملت ما اخبارات را لغو و بیهوده و شاه راه حقیقی تمدن و ترقیات ملت نمی‌شمارند و گاهی که غور کنیم ملت نیز به یک درجه محق است چه در فارسی زبان اخباریکه بتواند حق و وظایف خود را به جای آرد و فواید و نتایج اخباریت را بر آنها اثبات کند ندارند و ندیده‌اند فایده اخبار را صرف در اشتهاارات شخصیه می‌دانند ولی انسان عاقل باید تصور کند ملت اروپا که در معاملات دنیا داری منگری ندارند و فرد فرد آنها بدون مصلحت قدمی بر نمی‌دارند و درمی‌صرف نمی‌کنند اگر مطبوعات بی سود و ثمر بود این مبالغ‌گراف که زاید بر مداخل یک سلطنت بسیار بزرگ است صرف مطبوعات خود نکرده و روز بروز پایه ترقیات وی را بالا نمی‌نهادند...»

مولانا درباره‌ی این روزنامه می‌نویسد که «این روزنامه هر هفته در بیست صفحه در کلکته منتشر می‌شد و هر شماره‌ی آن حاوی چندین مقاله‌ی سیاسی و اجتماعی بود و اغلب از اوضاع دلخراش ایران صحبت می‌کرد. نویسندگان ایرانی مخصوصاً «مؤیدالاسلام» از شرایط موجود در

پدیدار گشته - بعد از این که سلاطین اروپا در مقامات مختلفه آفریقه چنگال بند کردند و از زرخیزی آن مملکت وسیع واقف شدند و رواج تجارت خود را دادند و پی به معادن دست نخورده آن مملکت بردند اقوام آنجا را ناچیز شمرده به خوف و بیم از میدان معارکه بیرون نمودند تا اینکه بی‌رحمی اروپائیان از حد اعتدال گذشت آنان هم به حرکت مذبوح افتادند چنانکه مهدی سودانی در وسط آفریقه حرکت کرده حکومت مستقلی به جهت خود قائم داشت...» این روزنامه در این مقاله پس از تشریح اعمال تند اروپائیان و غارت و کشتار مردم آفریقا، نتیجه می‌گیرد که «... اگر سلاطین اروپا از طرز معاشرت خود با اصل آفریقا باریابند و خیرخواهی خود را بر باشندگان آن مملکت ظاهر ندارند و مرتبط و مختلط حقیقی نشوند بدین معنی امتیاز فاتح و مفتوح را از میانه بر ندارند و بدین تکبر و تنمر حالیه با اوشان رفتار نمایند بیست سال دیگر سلاطین اروپا را به قدر کفدستی زمین در آفریقه باقی نخواهد ماند و در صلح و امنیت عالم فساد راه یابد این کردار و سلوک اهالی اروپا نسبت به اهل آسیا و آفریقه سلوکی نیست که دائم باقی ماند بلکه عنقریب دیده شود که به کیفر تکبر و تنمر خود برسند».

روزنامه‌ی «حبل المتین» در زمینه‌ی فواید انتشار روزنامه و مطبوعات نیز مطالب و مقالاتی دارد، مثلاً در شماره‌ی ۴۱ خود

هندوستان استفاده کرده، مدت‌ها بی هیچ‌گونه دخالت روزنامه‌های خود را منتشر می‌ساختند و از حکومت ایران انتقاد می‌کردند.»

«براون» نیز در کتاب تاریخ مطبوعات ایران خود درباره‌ی این هفته‌نامه چنین می‌نویسد: «قسمتی از حبل‌المتین همیشه به مواضع مذهبی اختصاص دارد. وقهرمان (اتحاد اسلامی) به شمار می‌رود. یکی از حوادث بسیار مهم در عمر این نشریه، ادامه انتشار آن بعد از توقیف جراید فارسی منتشره در خارجه توسط امین‌السلطان به سال هزار و سیصد و هیجده قمری (هزار و نهصد و یک میلادی) و مساعی مبذوله توسط حبل‌المتین در راه انفصال مشارالیه، بخصوص از طریق طبع و نشر نسخ عکسی (تکفیرنامه) امین‌السلطان به امضای مجتهدین نجف در تمام ممالک عالم است ... و نیز باید مساعی جمیله و موثر حبل‌المتین کلکته، طی دوره استبداد صغیر، در راه اسقرار مجدد رژیم مشروطیت و وارد کردن علما (مراجع تقلید مذهبی) به فعالیت (دوره آزادی) تذکر داده بشود.»

«براون» یادآوری می‌کند که «حبل‌المتین» چاپ سنگی در ۱۲ صفحه به قطع بزرگ، و «حبل‌المتین» چاپ سربی در ۱۶ صفحه در قطع کوچکتر و هفتگی منتشر می‌شده است و «حبل‌المتین» تهران و رشت که برادر «مؤیدالاسلام» انتشار می‌داده در چهار صفحه به قطع بزرگ و روزانه به چاپ می‌رسیده است.

صدرهاشمی نیز درباره‌ی این روزنامه

می‌نویسد که به دستور «امین‌السلطان» مدت چهار سال از ورود آن به خاک ایران جلوگیری شده است و این به علت انتشار گفتاری بوده که «شیخ یحیی کاشانی» درباره‌ی نادرستی‌های «انجمن معارف» و بدخواهیهای اتابک نوشته بوده است. او اضافه می‌کند که پس از توقیف مذکور، یک مرتبه هم «حبل‌المتین» برای مدت هشت سال از طرف دولت هندوستان از انتشارش جلوگیری شده بود. وی مدت این توقیف را سال ۱۲۹۵ شمسی تا اوایل سال ۱۳۰۳ شمسی، ذکر کرده است.

لازم است در اینجا اضافه کنیم که شماره‌ی اول از سال اول روزنامه‌ی «حبل‌المتین» تهران به تاریخ دوشنبه پانزدهم ربیع‌الاول ۱۳۲۵ هجری قمری برابر با ۲۹ آوریل ۱۹۰۷ میلادی در چهار صفحه و به مدیریت «جلال‌الدین الحسینی مؤیدالاسلام» و به طور روزانه منتشر شده بود. از آنجا که در این نوشتار قصد ما پرداختن به روزنامه‌های قبل از صدور فرمان مشروطیت می‌باشد از پرداختن بیشتر به این روزنامه‌ی صرف نظر می‌کنیم.

● حکمت

از روزنامه‌ی «حکمت» در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، در برخی از «مجموعه‌ها» و به طور پراکنده، چند شماره‌ای وجود دارد. به عنوان مثال، در یکی از مجموعه‌ها از شماره‌ی اول از سال هشتم آن تا شماره‌ی ۱۹ همان سال - که به تاریخ ۲۰ رجب ۱۳۱۷ هجری قمری برابر با ۲۴

(مدرس) که به انگلیسی چاپ می‌شود ترجمه و منتشر نمود. از آن رو مناسب دیدیم که انگار خود را در این مطلب اهم آشکار کرده و بنگاریم.

«لعل الله يحدث بعد ذلك امراً»

بدین مژده گر جان فشانم رواست

که این مژده آسایش جان ماست

ولی مردم خردمند دوران‌دیش راست که

پیش از اقدام به کاری، اطراف آن را از روی

دانایی و بینایی پاییده تسهیلات چندی برای

تدلیل صعوبات محتمله‌الوقوع در آن شروع

آماده کرده و پس به آن کار دست زند.

نخستین دشواری که در این کار پاک

متوقع‌الحصول می‌باشد آن کار آگاهی و

دشمنی دول و ملل ترسایان است که

در کمین مسلمین نشسته چنانکه از آغاز کار

سبب حصول شقاق و نفاق بین‌المسلمین

شده و اکنون دانه‌های نوبر خود را از این

افتراق می‌چینند البته به زور زر و زور و بذل

نفس و نفیس از مقاومت این مشروع مقدس

خودداری نخواهند کرد. زیرا بامداد اتحاد

مسلمین شامگاه ملاشات! و انعدام ترسایان

است. آغاز اتفاق مومنین انجام سعادت

گروه نصاری است ...»

این روزنامه در ۱۶ صفحه منتشر

می‌شده و مطالب آن بیشتر خبری است و

مقالات آن نیز کمتر رنگ سیاسی و

آزادینخواهی و انتقادی دارد. از این روزنامه

در یکی دیگر از «مجموعه‌ها» از شماره‌ی

۸۳۳ آن تا ۸۷۲ مربوط به سالهای دهم تا

نوامبر ۱۸۹۹ میلادی ثبت شده است -

موجود است. به هر حال، شماره‌ی اول از

سال هشتم آن به تاریخ ۲۰ محرم ۱۳۱۷

هجری قمری و ۳۰ ماه مه‌ی ۱۸۹۹ میلادی

منتشر و قیمت آن سالانه «... در ممالک

محروسه‌ی ایران، چهل قران و اجرت اعلان

هر سطر پنج فرانک ...» ذکر شده است. این

روزنامه، فاصله‌ی انتشار خود را چنین قید

کرده است: «این روزنامه در هر ده روز یکبار

چاپ می‌شود.» همچنین موضوعهای

روزنامه نیز به این گونه قید شده است: «این

روزنامه از سیاست و علوم و طب و فنون و

صنایع و اختراعات و اکتشافات و ادبیات و

تجارت سخن گوید.»

مدیر این روزنامه «میرزا محمد مهدی

تبریزی» و محل چاپ آن در مصر بوده و در

۱۶ صفحه منتشر می‌شده است و تاریخ

تأسیس آن ۱۳۱۰ هجری قمری برابر با

۱۸۹۲ میلادی است. شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در صفحه‌ی اول شماره‌ی ۵ از سال

هشتم آن، که در ربیع‌الاول ۱۳۱۷ هجری

قمری منتشر شده چنین آمده است:

«واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا، در

شماره‌ی گذشته گفتاری در اتحاد اتفاق

ترسایان بر ضد مسلمین، بطالت و کسالت

اهل اسلام را مختصراً نگاشته و در صدد این

بودیم که در این شماره نیز گفتاری بنگاریم.

به ناگاه جریده مبارکه‌ی (الخوید) در شماره

(۲۸۴) مورخه‌ی ۲۴ صفر مقاله‌ای به عنوان

فوق از روزنامه گرامی (محمدان) منطبق

مطبعه‌ی مدرسه‌ی مظفریه به مدیریت «آقا میرزا محمد ندیمباشی» انتشار می‌یافت. تاریخ تأسیس آن، به سال ۱۸۹۳ میلادی برابر با ۱۳۱۱ هجری قمری و طرز انتشار آن نیز هر ده روز یک بار و با چاپ سنگی بوده و به مدت هشت سال منتشر می‌شده است. به نظر مولانا این روزنامه برای مقابله با «نفوذ اختر» که شدیداً در ایران جا باز کرده بود و مقالات پرمعنا و تندی در آن نوشته می‌شد، به دستور شخص ناصرالدین شاه، وزارت انطباعات مأمور انتشار آن شد.

شماره‌ی اول از سال دوم آن که در کتابخانه‌ی مجلس وجود دارد در تاریخ اول شوال ۱۳۱۲ هجری قمری برابر با ۲۸ مارس ۱۸۹۵ میلادی منتشر شده بود. قیمت آن «سالانه برای ۳۶ شماره، شانزده هزار دینار ایران و قیمت یک شماره‌ی آن دویست و پنجاه دینار در ایران و سه هزار و ششصد دینار در ممالک خارجه به اضافه‌ی اجرت پست» درج شده و در ۸ صفحه انتشار می‌یافت.

در زیر اسم روزنامه، درباره‌ی محتوا و مطالب آن چنین آمده است: «این روزنامه از مطالب دولتی و پولتیک داخلی و اموری که بدین دو فقره مدخلیت داشته باشد سخن نخواهد راند و مقصود کلی از طبع و نشر آن انتشار برخی مطالب مربوطه بعلم مختلفه و تمدن و تجارت است که اطلاع بر آنها موجب نتایج حسنه خواهد بود و اداره در پذیرفتن بعضی مکتوبات مفیده که متضمن اخبار گرامی و خیرخواهی باشد آزاد و

سال چهاردهم انتشار آن - که آخرین شماره آن به تاریخ ۱۵ رجب ۱۳۲۴ هجری قمری برابر با ۴ سپتامبر سال ۱۹۰۶ میلادی منتشر شده است - در کتابخانه‌ی مجلس موجود است ولی به صورت مستقل وجود ندارد.

● شایک

روزنامه‌ی «شایک» به عقیده‌ی صدرهاشمی، به زبان ارمنی و در تهران به سال ۱۳۱۰ هجری قمری برابر با ۱۸۹۲ میلادی، تأسیس و منتشر می‌شده است. ولی درباره‌ی سردبیر و یا مشخصات دیگر آن توضیحی نداده و در کتابخانه‌ی مجلس نیز از آن هیچ نمونه‌ای وجود ندارد.

● استقرار ولیان

روزنامه‌ی «استقرار ولیان» یکی از روزنامه‌ی‌هایی بوده که در ایران به زبان ارمنی در سالهای ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ هجری قمری منتشر می‌شده است. «ادوارد براون» در «تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره‌ی مشروطیت» به آن چنین اشاره می‌کند: «روزنامه‌ی هفتگی منتشر در طهران در سال ۱۸۹۳ میلادی مطابق ۱۱-۱۳۱۰ هجری قمری». لازم است در همین جا یادآور شویم که از این روزنامه نیز در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی هیچ نسخه‌ای موجود نیست و منابع فارسی نیز پیرامون آن توضیح بیشتری نداده‌اند.

● ناصری

روزنامه‌ی «ناصری» در تبریز و در

این مقام متعالی را داشته باشد سایر شئونات ملحوظه که عשרی از اعشار و یکی از هزار مراتب انسانیت نتواند بود در این جزو زمان ملحوظ همگنان می افتد و موجب هزاران حیرت و تعجب ابنای زمان می گردد به نظر تأمل و دقت منظور شود در مقابل استعداد انسانیت به هیچ وجه نمایشی ندارد که این جوهر لطیف را مرتبتی بلند و مقامی بغایت ارجمند است.

ولی همینقدر همّت می خواهد که آلودگی مقام از اصغای کلام باز ندارد و در انجام مرام بقدر قوه اهتمام رود که بقواعد جدیده نه از روی تقلید بلکه از راه تأسیس نظری نمائیم و مقدمه در رفاهیت و مدنیت خودمان تمهید کنیم و براستی در نفس الامر مشاهده نمائیم که این همه شئونات و ترقیات و فواید مطلوب که در ممالک اروپا تجدید می شود که پایان آن ناپدید است از چیست و اجرای این قواعد جدیده و منافع کثیره و فزایش آسایش از کیست هرگاه جزئی تأمل نمائیم مسلماً خواهیم دید که از مجالس شورا و مدارس علیا واجتماع آرا خواهد بود که هر قدر قوانین آن مشید و قواعد آن ممتد باشد آسایش آن و در غایت فزایش خواهد گشت و دست اقتدار آن در نهایت گشایش و متعیشین ضلالش در منتهای نازش و بالش چنانکه دولت ژاپون در این اندک مدت با صغر مملکت و جزء ضعیف و قلت نفوس و جمعیت چه قدرها قوی پنجه گردیده و گروه انبوه چین را

در کمال امتنان است و چنانچه مطلب یا مکتوبی به اداره رسد و به پاره ای ملاحظات از درج آن امتناع رود حقیق مطالبه و بازخواست آن نخواهند داشت و در هر ماهی سه مرتبه به سمت طبع خواهد پذیرفت انشاء الله تعالی بمئه وجوده».

فهرست مندرجات اولین شماره از سال دوم این روزنامه از این قرار است: «اعلان - دیباچه - مدنیت - فلاح - اخبار خارجه - اخبار رسمی آذربایجان - مقدمه - سیاحتنامه - تمنا»

در بالای نام روزنامه، علامت شیر و خورشید آمده است. این روزنامه به خط نستعلیق و در قطع وزیری منتشر می شده و در برخی از شماره های آن به طور استثنایی طرح نیز دیده می شود. در اینجا ما بخشی از مطالب شماره اول از سال دوم را که تحت عنوان «مدنیت» در صفحه ی دوم تا سوم آمده است، برای آشنایی بیشتر با سبک و سیاق مطالب و نوع نوشتار آن عیناً می آوریم: «شخص انسان باقتضای علو مکان و عظمت شأنی که به تقدیر حضرت سبحانی در اصل فطرت بدان رسیده و بمضمون بلاغت مشحون الصوده الانسانیة اعظم حجة الله بفنون بزرگواری مفتخر و مباهی گردیده در حقیقت افضل و اکمل خلقهای خداوندی است و من حیث الرتبة لیاقت هر قسم ترقیات و شایستگی ارتقاء هرگونه درجات را دارد که پای عزت بدان رتبه عالی نهد و مسلماً خلقتی که سزاواری

بستوه و شکنجه آورده این نبوده مگر باخذ اندک قواعد علمیّه و تحصیل فنون جدیده و تشیید مبانی مدینه ...»

روزنامه‌ی «ناصری» احتمالاً تنها روزنامه‌ای است که در پایان هر شماره‌ی خود به درج «وضعیت هوا و علائم جوی» مسی پرداخت. همچنین این روزنامه در شماره‌ی ۴ خود به تاریخ ۲ ذی‌قعدة ۱۳۱۲ هجری قمری برابر با ۲۸ آوریل ۱۸۹۵ میلادی در سلسله مقالات خود در باب «مدنیت»، در صفحه‌ی دوم به اهمیت روزنامه و نشر مطبوعات اشاره کرده است که بدینگونه شروع می‌شود: «از جمله مراتبی که به طور کامل مراتب تمدن و انسانیت را ترقی داده و به مدارج تکمیل و تربیت ارتقا می‌بخشد طبع و انتشار روزنامه‌ی است... بخصوص روزنامجات علمی که از علوم مختلفه از قبیل فلاحت و تجارت و طب و غیره مذاکره نماید که حقیقه هر مملکتی که روزنامه‌ی علمی ندارد رکن اعظمش در مراتب ترقیات ناقص است ...»

همان طور که اشاره شد این روزنامه برای مقابله با روزنامه‌ی «اختر» منتشر می‌شده است و از مطالب آن نیز این مفهوم را می‌توان استنباط نمود که سعی داشته است تا حدودی به درج مطالب و مقالاتی بپردازد که بتواند مردم را به طرف خود جلب کند از این رو مطالب را به قلمی آورده که دارای جاذبه باشد. روزنامه‌ی مذکور در شماره‌ی ۱۴ خود به تاریخ ۱۱ صفر ۱۳۱۳ برابر با ۲ اوت ۱۸۹۵ هجری قمری مطلبی تحت عنوان «فایده‌ی عمومی»

آورده که به جهت اهمیت نسبی مفهوم، آن را ذکر می‌کنیم: «پس در این صورت که اهالی خارجه از هر صنفی به اتفاق هم بانهایت مآل اندیشی و غیرت شب و روز در اندیشه ترقی و فکر کار هستند چگونه انصاف است ما اهالی ایران با وجود آسودگی خیال و فراغت بال و ذهنی سالم و ذکاوتی بغایت در خواب غفلت به سر برده و بی خیال از فکر ترقی و تربیت باشیم و روز و شب را در نهایت بیچارگی و بی‌عاری با شیوه سیئه بیکاری در قهوه‌خانه‌ها به سر بریم و یا در مواقع دیگر به اقدام بعضی امور ناشایست که به هیچ وجه نفعی برای حال و قال ما نخواهد بخشید بگذرانیم ...»

این روزنامه از سال سوم انتشار در ۱۲ صفحه منتشر شده و در سمت راست عنوان آن آمده است: «این روزنامه مطلقاً از قید رسمیت خارج است». همچنین از شماره‌ی ۹ از سال سوم مدیر روزنامه، «آقا میرزا علی اصغر خان» ذکر شده است لیکن از شماره‌ی دوم از سال چهارم مدیر روزنامه «آقا میرزا مسعود خان» درج شده و هدف از انتشار آن نیز که همیشه در زیر نام روزنامه می‌آمد، حذف شده است و مطالب آن نیز بیشتر رسمی شده و درباره‌ی مسائل اجتماعی مطالب کمتری در آن دیده می‌شود.

از شماره‌های مربوط به سال دوم و سوم و چهارم این روزنامه مربوط به سالهای ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۵ هجری قمری شماره‌هایی به طور نامرتب و ناقص در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی جهت استفاده‌ی محققین و دانش پژوهان موجود است.

● تربیت

در شماره‌ی اول این روزنامه، عبارت «هوالمعین» در وسط و بالاترین قسمت صفحه‌ی اول آن نقش بسته و سپس در زیر آن عنوان «تربیت» چاپ و در سمت راست آن آمده است: «باجازه‌ی وزارت انطباعات» و سپس در زیر آن تاریخ «شنبه یازدهم شهر رجب سند ۱۳۱۴ هجری و قیمت در داخله نمره پنجشاهی» و در سمت چپ عنوان روزنامه، نیز این عبارات آمده است: «صاحب امتیاز ذکاءالملک» و «هفدهم دسامبر ماه فرانسه سنه ۱۸۹۶» و «در خارجه اجرت پست به علاوه»

سپس در زیر مشخصات فوق، یک سطر بدین‌گونه آمده است: «هرکس مقاله مفیدی به اداره تربیت فرستد و نشر آن را صلاح دانند، به اسم خود نویسنده طبع خواهند نمود».

روزنامه‌ی «تربیت» که به خط نستعلیق نوشته می‌شده، در میان سایر روزنامه‌ی‌های هم عصر خود از نظر زیبایی خط، بی نظیر است. این روزنامه‌ی در چهار صفحه و در دو ستون منتشر می‌شده است. «تربیت» در سلسله مقالاتی که در واقع «سرمقاله» هر شماره‌ی آن نیز محسوب می‌شود درباره‌ی فواید علم و صنعت مطالبی دارد که بخشی از آن را از شماره‌ی پنجم به تاریخ پنجشنبه دهم شعبان ۱۳۱۴ هجری قمری برابر با چهاردهم ژانویه ۱۸۹۷ میلادی انتخاب نموده و جهت آشنایی با سبک

نوشتار آن عیناً می‌آوریم: «سابقاً» گفتیم در قرون آخری فرنگ از هر جهت خیلی ترقی کرده و پیش رفته و این خبر تازه نبود که به مطالعه کنندگان داده باشیم همه قبل از نگارش این روزنامه می‌دانستند ماداموازل (کویه دُن) هم که این اواخر در (اروپا) معروف به غیب‌گویی شده می‌توانست این خبر را بدهد گذشته از طیب هرکس در بازار نظر به مخزنها و دارالتجاره‌های تجار می‌نمود خود ملتفت سر و ته کار می‌شد ما حسب‌المناسبه چیزی اظهار نمودیم و ضمناً معروض داشتیم که مایه آن ترقی و پیشرفت شیوع علم و رواج صنعت است که فرزند علم باشد اما جهت و راه نشر و انتشار علم نگفته و نهفته ماند و حالا هم توقع گفتن آن نیست انشاءالله تحقیق این مسأله بیاید در اینجا می‌خواهیم باز قدری نوع واحد بودن انسان را و یکسانی آن را در اصول استعداد تایید و بیان کنیم و از فواید تربیت سخن سرانیم نظر به این منظور گوئیم آیا این فرنگیها که از چندی قبل تاکنون منشاء هزار کار عجیب و غریب از ابداع و اختراع و استکمال و اصطناع و اکتشاف و انتفاع و غیرها شده اولاد همان فرنگیهای هزار سال پیش نیستند ... چرا اولاد همان قبایلند و از نژاد همان سلاسل ... آیا آنها هیچ شباهتی به اینها داشتند ... نه میان آنان و اینان تفاوت از زمین تا آسمان است ... این تفاوت از کجا آمده آیا نوع و جنس فرق کرده ... اصلاً و مطلقاً ... پس از کجا خون شیر شد

و خماین شمشیر ... بی تامل و گفتگو از تربیت ... از تربیت ... بلی از تربیت ...».

در شماره‌ی اول در سرمقاله‌ی آن که تحت عنوان «اعلان» چاپ شده، ضمن اشاره به انتشار روزنامه با اجازه وزارت انطباعات و هفتگی بودن، آن چنین می‌خوانیم: «... هرکس حرفی سودمند داشته باشد به واسطه‌ی این جریده می‌تواند بگوید و در راه حب وطن گامی و راهی بیوید این ورقه مشتمل بر هرگونه مطلب مفید است و از قید اغراض و رسمیت و مدح و قدح و غیرها فارغ و آزاد قیمت آن سهل و مناسب نه مجاناً با حدی داده می‌شود نه حکماً در خریداری آن هرنفسی مختار است و عالم عالم اختیار».

این روزنامه، یکی از روزنامه‌های مفید بود که مدت نه سال تمام با مقالات ادبی و تاریخی منتشر می‌شده و پیوسته طرف توجه دانشمندان بوده و از لحاظ نشر فارسی و زیبایی خط کمتر در میان روزنامه‌های فارسی زبان نظیر دارد.

شماره‌ی اول آن در چهار صفحه و به خط نستعلیق و با چاپ سنگی به طبع رسیده بود. باید اضافه کنیم که این روزنامه در انتشار شماره‌ی ۱۱، یک ماه تعطیل داشته سپس در تاریخ سه‌شنبه غره صفر ۱۳۱۶ هجری قمری آن را منتشر کرده است و از این شماره به بعد، بیشتر مندرجات «تربیت» اخبار داخلی و خارجی است.

صدر هاشمی می‌نویسد که شماره‌ی ۱۲۹ این روزنامه در تاریخ پنجشنبه پنج شهر جمادی‌الاول و نمره ۱۳۰ آن در تاریخ

پنجشنبه ۲۶ شوال ۱۳۱۶ هجری قمری پس از چند ماه تعطیل، انتشار یافت و از این شماره به وضع سابق یعنی هفتگی منتشر می‌شده و در عنوان آن «روزنامه‌ی آزاد هفتگی» قید گردیده است. مقاله‌ی افتتاحی سال سوم بدین شکل شروع می‌شود:

بسمه تبارک و تعالی

هر آدمی باید در عنصر و گوهرش چیزی از ماده غیرت باشد و در سرشت و طبیعتش بیش یا کمی از خمیرمایه همت ...»

این روزنامه به مدت نه سال به تعداد ۴۳۴ شماره و در ۲۴۹۲ صفحه منتشر می‌شد و آخرین شماره‌ی آن در تاریخ پنجشنبه ۲۹ محرم ۱۳۲۵ هجری قمری توزیع و خاتمه یافته است و این به علت پیری و ناتوانی قلمی «ذکاءالملک» بوده است.

خوشبختانه باید گفت که تمامی شماره‌های این روزنامه از اولین تا آخرین شماره‌ی آن در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی موجود است.

● احتیاج

روزنامه‌ی «احتیاج» به طور هفتگی در تبریز و با چاپ سنگی به مدیریت «علیقلی» معروف به «صفرآف» منتشر می‌شده است. این روزنامه در سال ۱۳۱۶ هجری قمری تأسیس و پس از انتشار هفت شماره به امر «امیر نظام گروسی» حاکم آذربایجان توقیف شد.

«ادوارد سراون»، انتشار شماره‌ی اول روزنامه‌ی «احتیاج» را ۱۶ محرم سال

● ثریا

روزنامه‌ی «ثریا» در قاهره به مدیریت «میرزا علی محمدخان کاشانی» به زبان فارسی تأسیس و هفته‌ای یک بار در روزهای شنبه طبع و یکشنبه توزیع می‌شده است. اولین شماره‌ی آن روز شنبه ۱۴ جمادی‌الآخر ۱۳۱۶ هجری قمری برابر با ۲۹ اکتبر ۱۸۹۸ میلادی انتشار یافته است. اسم روزنامه با خط درشت نستعلیق نوشته شده و در عنوان هر شماره نیز «ثریا» بدین گونه معرفی گردیده است: «ثریا روزنامه‌ای که از هرگونه وقایع پولتیکی و سیاسی و علوم و فنون و صنایع و ادبیات و تجارت و غیره بحث می‌کند و نیز مقالاتی که مانع به حال دولت و ملت باشد به کمال ممنوعیت طبع و نشر می‌نماید.» قیمت سالانه آن در «ممالک محروسه‌ی ایران ۳۶ قران، در بلاد عثمانی ۴ مجیدی، در مصر و اطراف آن ۴ ریال مصری» بوده است و قیمت «بلاد خارجه مقدم در ایران در دو قسط» گرفته می‌شده و وجه پست نیز همه جا به عهده اداره «ثریا» ذکر شده است.

صدرهاشمی مقاله‌ی افتتاحی شماره اول ثریا را این گونه آورده است: «سپاس و ستایش خدای را که سرلوحه‌ی جریده آفرینش و افتتاح روزنامه‌ی بینش به نام اوست قدرت بالغه زیانش از حسیض تا اوج ثریا را فرو گرفته و مملکت کامله احدیتش از تحت تراب تافوق افلاک رده کشیده علم و تمدن را زیور و پیرایه انسان

۱۳۱۶ هجری قمری مطابق با ۷ ژوئن ۱۸۹۸ میلادی ذکر کرده و می‌افزاید که پس از توقیف آن، «صفرأف» روزنامه‌ی دیگری را به نام «اقبال» منتشر می‌کرد، بنابراین شماره‌ی هشت «احتیاج» به نام «اقبال» بوده و این شماره در ۲۹ ربیع‌الاول سال مذکور منتشر شده است.

صدرهاشمی نیز به نقل از «تاریخ مشروطیت» اثر «کسروی» درباره‌ی «صفرأف» چنین می‌نویسد: «در تبریز هم کسانی پیدا شده بودند که معنی کشور و زندگانی را می‌فهمیدند و از چگونگی کشورهای اروپا آگاه می‌بودند ... شگفت انگیز از همه، صفرأف است که راپورتچی باشی محمدعلی میرزا می‌بوده که راپورتها که می‌رسیده از زیر دست او می‌گذشته و با چنین کاری خود از آزادیخواهان می‌بوده و با آنان همراهی و همدردی می‌نموده و به هنگام خود یاوریا می‌کرده و آنان را از گرفتاریها رها می‌گردانیده. این صفرأف روزنامه به نام (احتیاج) برپا کرد که چند شماره از آن بیرون آمد ولی چون سخنانی نوشت که به محمدعلی میرزا ناخوش افتاد با دستور او چوب به پایش زدند و از انتشار روزنامه‌اش جلوگیری کردند.»

لازم است در همین جا اشاره کنیم که متأسفانه هیچ شماره‌ای از روزنامه‌های «احتیاج» و «اقبال» در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی موجود نیست تا بتوانیم از مندرجات آنها نمونه‌هایی بیاوریم.

مندرجات روزنامه‌ی «ثریا» عبارت بود از اخبار و حوادث ایران و مصر و در بعضی از شماره‌ها اخبار عمومی جهان. اما به عقیده مولانا، روزنامه‌ی «ثریا» به همراه روزنامه‌های دیگر که مقالات بسیار تنیدی علیه «میرزا علی اصغر خان اتابک، امین السلطان» و حکومت وی می‌نوشتند و به طور مرتب مسائل مهم کشوری را مورد بحث قرار می‌دادند و مردم را علیه حکومت تحریک و به انقلاب تشویق می‌کردند، به دستور اتابک، ورود آنها به کشور ممنوع شد. این روزنامه‌ها عبارت بودند از «ثریا»، «جبل‌المتین» چاپ کلکته و «آزاد» چاپ کلکته.

به هر حال از آنجا که هیچ شماره‌ای از این روزنامه در کتابخانه موجود نیست، مجبوریم که صحبت پیرامون آن را فقط با ذکر نام مدیران آن «علیمحمدخان کاشانی» و «سید فرج‌الله کاشانی» به پایان ببریم.

● خلاصه‌الحوادث

«ادیب‌الممالک» که بعداً به «اعتمادالسلطنه» ملقب شد - زمانی که وزارت انطباعات را برعهده گرفت، احتیاج به انتشار یک نشریه روزانه را در ایران دریافت و در ۳۱ اکتبر ۱۸۹۸ میلادی برابر با دوشنبه چهاردهم جمادی‌الآخر ۱۳۱۶ هجری قمری که مصادف با روز تولد مظفرالدین شاه بود، اولین شماره‌ی روزنامه ایران را به نام «خلاصه‌الحوادث» تقدیم شاه کرد. این روزنامه با حروف معمولی در یک صفحه به اندازه‌ی نصف روزنامه‌های بزرگ

قرار داده و بدین صفت به سایر مخلوقاتش مزیت بخشید...» پس از خطبه‌ی مشروح که قسمتی از آن را آوردیم مدیر ثریا درباره‌ی انتشارش چنین آورده است: «این بنده علی محمد کاشانی هنگام توقف و تحصیل در اسلامبول گاه‌گاه که با دوستان وطن پرست ملت و دولت ملاقات کرده صحبت از دولت خواهی و همت پرستی به میان می‌آمد جمعی که مدتی در بلدان خارجه مانده و معنی حب‌الوطن من‌الایمان را دانسته و لذت ثمره تمدن و تربیت را چشیده می‌گفتند امروز موافق شرع انور و اطهر و مصالح جمهور به ملک و کشور بر هر فردی از افراد ملت واجب و فریضه است که خدمت وطن را اهم عبادات و الزام طاعات داند که در این اجری عمیم و ثوابی عظیم دارد و از دست هرکس هرچه برآید در خدمت کوتاهی نکنند (دست نمی‌رسد که بچینی گلی ز شاخ - باری به پای گلبن ایشان گیاه باش) و هم بمضمون آیه کریمه (و ذکر فان الذکر تنفع المومنین) امروز برای تنبیه و آگاه نمودن ابنای وطن که غالب روش اجانب ندانند و از سیاست مغربیان که ظاهری چون چهره خوبان آراسته و باطنی چون دل دوزخیان کاسته دارند بی‌خبر و از مکرشان غافل‌اند هیچ بهتر از نصیحت و ذکر نیست... در این صورت امروز برای ما ایرانیان که طالب خدمت وطن هستیم به شرط قدرت قلم و قوت قدم خدمتی بهتر از نشر روزنامه‌ی و همت و اقدام در این امر نیست...»

به طور کلی به عقیده‌ی صدرهاشمی،

کتابخانه

۱۳۲۰ هجری قمری برابر با ۱۶ نوامبر ۱۹۰۲ میلادی منتشر شده بود.

لازم است در همین جا خاطر نشان کنیم که صدرهاشمی می نویسد: «خلاصة الحوادث» مرتباً تا نمره ۱۱۰۷ مورخ ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۲۱ قمری مطابق با ۱۳ آگوست ۱۹۰۳ میلادی منتشر می گردید. در شماره ی دوم «خلاصة الحوادث» وجه اشتراک آن در تهران ماهی سه قران و در سایر بلاد ایران ۴ قران ذکر شده، همچنین در زیر عنوان «خلاصة الحوادث» آمده است: «هرگونه مقاله مفیده و اعلاناتیکه منافی به صلاح دولت و ملت نباشد به اداره روزنامه ی خلاصة الحوادث بفرستند با کمال امتنان طبع و نشر خواهد شد.»

● معارف

روزنامه ی «معارف» در شهر تهران به صاحب امتیازی «انجمن معارف» تأسیس و شماره ی اول آن، در چهار صفحه به خط نسخ، قطع وزیری و چاپ سنگی طبع و در تاریخ اول شعبان ۱۳۱۶ هجری قمری منتشر شده است. نام روزنامه یعنی «معارف» در بالا و وسط صفحه آمده و در طرف راست آن این عبارات به چشم می خورد: «این روزنامه از قید رسمیت آزاد است»، «ماهی دومرتبه طبع و توزیع می شود»، «در دارالخلافه طهران بطبع می رسد» و همچنین در سمت چپ عنوان روزنامه نیز این عبارات آمده است:

معمولی امروزی انتشار یافت و در اولین شماره ی آن به خوانندگان قول داده شد که روزنامه حاوی خلاصه ای از اخبار ایران و خارج خواهد بود. انتشار آن به مدت پنج سال ادامه داشت و در ماه اوت ۱۹۰۳ میلادی آخرین شماره ی آن در تهران منتشر شده است.

مولانا درباره ی این روزنامه اشاره می نماید که تجزیه و تحلیل شماره های متعدد آن به خواننده ثابت می کند که این روزنامه در حقیقت باید سندی از تهیدستی و فقر روزنامه نگاری دولتی آن زمان باشد. انتشار این روزنامه نامنظم بود و تمام مطالب در یک روی صفحه ی به طبع می رسیده و هفته ای پنج شماره ی منتشر می شده است. آگهیهای عمومی و بازرگانی آن تقریباً ناچیز است. او اضافه می کند که در سال ۱۹۰۳ میلادی وقتی که وزارت انطباعات از «ادیب الملک» به «میرزا محمدخان ندیم السلطان» منتقل شد وزیر جدید، در این روزنامه - و «ایران» روزنامه ی دیگر دولتی را که هر هفته سه بار در تهران منتشر می شد - بست و به انتشار آنها خاتمه داد و روزنامه ی جدیدی را به نام «ایران سلطانی» تأسیس کرد که هر دو هفته یک بار منتشر می گردید.

از روزنامه ی «خلاصة الحوادث» به طور نامرتب شماره هایی از اول تا شماره ی ۹۵۲ در کتابخانه ی مجلس موجود است که شماره ی ۹۵۲ در تاریخ پنجشنبه ۲۶ شعبان

مخصوص از طرف قرین الشرف همایونی به مبارکی و میمنت به ترتیب و انتشار این روزنامه اقدام کرده و آن را موسوم به روزنامه‌ی (معارف) نموده و بعد از این ماهی دو نمره از آن به طبع خواهد رسید انشاءالله تعالی ...»

از روزنامه‌ی معارف، شماره‌های ۱ تا ۷۲ آن در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی موجود است.

کتابخانه فیضیه قم

● نظمیہ

روزنامه‌ی هفتگی و مصور «نظمیه» با چاپ سنگی به مدیریت «مشهدی محمود اسکندرانی» در تبریز تأسیس و در سال ۱۳۱۶ هجری قمری منتشر می‌شد. صدرهاشمی درباره‌ی این روزنامه می‌نویسد: «شماره‌ی اول این روزنامه که با چاپ سنگی و خط نستعلیق است در چهار صفحه طبع می‌شده و تصویر «اجلال الملک» رئیس پلیس تبریز در آن درج شده است. بهای اشتراک «نظمیه» در تبریز ۸ قران و در سایر شهرهای ایران ده قران است.»

از آنجا که در کتابخانه‌ی مجلس هیچ شماره‌ای از این روزنامه موجود نیست و منابع فارسی نیز توضیح بیشتری درباره‌ی آن نداده‌اند، لذا به همین مختصر درباره‌ی روزنامه‌ی «نظمیه» بسنده می‌کنیم.

● مفتاح الظفر

روزنامه‌ی «مفتاح الظفر» در کلکته هندوستان، به زبان فارسی و به سرپرستی «مؤیدالاسلام» مدیر «حبل‌المتین» و

«صاحب امتیاز انجمن معارف»، «قیمت سالانه در طهران شش هزار دینار» و «به تاریخ غره شعبان المعظم ۱۳۱۶».

در زیر عنوان روزنامه این دو سطر چاپ شده است: «در این روزنامه مطالب راجعه به مدارس و مکاتب ملیّه و فواید عامّه نوشته می‌شود و هر نوع مطلب و اعلان دایر به این مسائل و مفید به حال ملت که منافی با دین و دولت نباشد پذیرفته و مجاناً طبع خواهد شد.»

مندرجات روزنامه‌ی «معارف» عبارت است از اخبار راجع به تأسیس و افتتاح مدارس در ایران و بعضی اخبار مربوط به مدارس در خارج ایران است. مقاله‌ی افتتاحی روزنامه‌ی مذکور نیز از این قرار است «بسم‌الله الرحمن الرحیم - چون بفضل‌الله المتعال و ... اجزای انجمن معارف در ایجاد مدارس و مکاتب علیه مظفریه که بهترین وسیله برای ترقی دین و دولت و بزرگترین سرمایه برای تربیت ابنای ملت است بر طبق نیات مقدسه همایونی به مقصد خود نائل شده و در این قلیل مدت چند مدرسه معظمه جدیده با ترتیبات لازمه ایجاد و دایر کرده و باز هم در خیال ایجاد تأسیس مدارس و مکاتب عدیده دیگر چه در دارالخلافه طهران و چه در سایر بلدان ایران هستند لهذا آرای اعضای انجمن معارف بر این قرار گرفت که یک روزنامه‌ی مخصوص دایر ترتیبات و تنظیمات مدارس و مکاتب علیه و مطالب راجعه به آنها و مفید به حال عامه ایجاد و منتشر سازند تا... بنابراین پس از تحصیل اجازه و امتیاز

مدیرکلی «میرزا سید حسن کاشانی» در سال ۱۳۱۵ هجری قمری برابر با ۱۸۹۷ میلادی انتشار یافت. صدرهاشمی مشخصات این روزنامه را براساس شماره‌ی اول از سال دوم این روزنامه به تاریخ ۸ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷ هجری قمری برابر با ۱۵ ماه اگوست ۱۸۹۹ میلادی این گونه ذکر می‌کند:

«در عنوان روزنامه بالای اسم آن جمله‌ی (بنام خسروگیتی مظفرالدین شاه) و در زیر آن سال تأسیس روزنامه‌ی (۱۳۱۵ هجری قمری - ۱۸۹۷ میلادی) درج شده و طرزانتشار آن روزهای یکم و هشتم و پانزدهم و بیست و دوم هرماه بوده است. روزنامه بدین قرار است: هندوستان و برمه و خلیج فارس ده روپیه، ممالک محروسه ایران و افغانستان ۳۵ قران، چین و ژاپن و روسیه و اروپا ۲۵ فرانک، و ممالک عثمانی از عراق و مصر و غیره ۵ مجیدی.» درباره‌ی قیمت تک شماره‌ی روزنامه در شماره‌های اول و دوم چنین نوشته شده است: «خریداران آزاد را مجانی داده می‌شود». در هر شماره، روزنامه‌ی مفتاح‌الظفر این گونه معرفی شده است: «این روزنامه‌ی ملی کلیه بخشش [بخشهایش] علمی است مقالات علمیه و مضامین حکمیه بنام نویسنده طبع و نشر خواهد شد». در حقیقت تمام مندرجات این روزنامه مقالات ریاضی و مطالب علمی بوده است.

البته بر خلاف انتظار ما از این روزنامه در کتابخانه‌ی مجلس نتوانستیم به هیچ نسخه‌ای دسترسی پیدا کنیم.